

السیده زینب الموسوی: ایرانی بی فرهنگ و بی شعور



”آن چیزی که جهان را دگرگون می سازد، دیدگاه های شخصی نیست، بلکه شیوه اندیشه و کردارهای یک شخص است!”

در همه کشورهای جهان بویژه مردمان کشورهای آزاد و دموکرات، شخصیت های سیاسی کشورهای خود را بدون هیچ گونه تاملی به شوخی گرفته و بباد انتقاد و استهزا و ناسزاگویی می گیرند. ولی نه تنها تاکنون نشده است که آنان فرهنگ، هویت ملی و گذشته تاریخی خود را تمسخر کرده و به سخره کشند، بلکه سالیانه میلیون ها دلار سرمایه هزینه می کنند تا برای خود یک تاریخ جعلی باستانی فراهم سازند. این حرکت ناشایست خودزنی و غریبه نوازی ویژه ایران-اسلامی است، بویژه در ۳۹ سال گذشته آخوندهای حاکم بر کشور آن را در جامعه ایرانی رواج داده و تا آنجایی که توانسته است یورش های خود را به عناوین و شیوه های گوناگون معطوف ایران باستان (فرهنگ، تاریخ، تمدن، دین و آئین، رسومات و سنت ها) و شخصیت های نامدار تاریخی بویژه کورش بزرگ و فردوسی و نیز شاهنامه ساخته است.

اجرای برنامه 'خنداننده شو' یا 'خندوانه شو' از سوی صدا و سیمای رژیم اسلامی (شبکه بی بی سی فارسی، شاخه تهران) که در روز ۱۹ تیر ۱۳۹۶ پخش شد، در راستای همان یورش ها رسانه ای شد، که موجب شادی ایرانیستیزان و دشمنان فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران - و جریحه دار ساختن احساسات ملی آندسته ایرانیانی که هنوز "شعور و عزت ایرانی" در رگ هایشان در جریان می باشد شد.

یکی از شرکت کنندگان این برنامه "هجوگویی" که نامش را "طنز" و "کمدی" گذاره اند، [[x]] السیده زینب موسوی که مدیر صفحه هایی در رسانه های اجتماعی به نام "امپراطور کوزکو" می باشد، در برابر میلیونها ایرانی بیننده تلویزیونی، با ادبیاتی بسیار رکیک و کاربرد واژگانی زشت، دست به تمسخر و ریشخند آشکارا نمادهای هویت ایرانی از جمله رستم و سهراب شاهنامه فردوسی زد و با گستاخی به تبار ایرانیان ناسزا گفت، که البته با ریشخند و تشویق مکرر شخصی بنام رامبد جوان، مجری برنامه خندوانه و حاضران دستچین شده ناآگاه و بیسواد در صحنه همراه بود، که در هر کجای دیگر جهان این حرکت ناشایست رخ می داد، با سکوت معترضان حاضران روبرو می شد. در همان برنامه مجری نیز تأکید بر آن داشت که از کاربرد واژه "ملت ایران"، خودداری شود و بجایش برای میهمانان، بر واژههای مجهول و مشکوک "ملت اسلامی" و "ملت انقلابی" تأکید میکرد.

نخست، از دید فردی و باورها و وابستگی شخصی این اشخاص بی مایه ای همچون السیده زینب، بهمراف دستگاه رهبری بیگانه-تبار می باشند، که امروز کشورمان را در دستان و چیرگی خود دارند، کشورمان را بدون متولی و ملتمان را یتیم یافته و دیواری کوتاه تر از تاریخ و فرهنگ ایران برای ابراز فضل های بی فضالانه خود نیافته اند، که بدین آسانی عقده گشایی می کنند. این عده باتاکید ورزیدن بر "سید" بودنشان از جمله درج آن در شناسنامه هایشان، نه تنها نشان می دهد که در پی برتری جویی (!) و امتیاز و سواستفاده های شخصی در جامعه می باشند، بلکه در حقیقت به "عرب-تبار" بودن خود بالیده و افتخار می ورزند. این عده به کورش و داریوش و دستاوردهای نیاکانمان در ایران باستان و نیز فردوسی و شاهنامه

اش نمی تواند افتخار نمی کنند، زیرا بعنوان یک بیگانه-تبار، افتخارات و دستاوردهای ایرانیان باستان برایشان بیگانه و حتی دشمن شمرده می شوند. نایستی فراموش کرد، که نیاکان این عده که داعشی های ۱۴۰۰ پیش بودند و با زور شمشیر کیش جهانیّت خود را بر ایرانی متمدن غالب نمودند، در همان زمان که ایران چندین هزارسال از تمدنش می گذشت، ولی آنان هنوز در شنزارهای نجد و حجاز سرگرم زنده بگور کردن دختران، نامگذاری روزانه شترهایشان و پرستش چند بُت ساخته شده از چوب و سنگ، از جمله الله، لات و منات بوده و بویی از فرهنگ و تمدن نبرده بودند! ولی این تمسخر کردن ها و فرهنگ و هویت ملی را نشانه رفتن بجز منافع و وابستگی ها فردی، سیاستی از پیش برنامه ریزی شده ای را دنبال و اجرا می کند.

بهر روی، این نخستین بار نیست که مزدوران فرهنگی رژیم ملایان، با در دست داشتن رسانه اصلی و باصطلاح ملی کشور، آشکارا به نمادهای فرهنگی و ملی ایران یورش برده و تلاش در نابودیشان کرده اند. این حرکت در پیروی از سیاست ها و برنامه های ایرانستیزانه و پلید دستگاه حاکم است تا با نابودی "هویت ملی"، که شاهنامه و اساتیرش بخشی جداناپذیر و ساختاری آن می باشند، سرانجام "ملت ایران" را مبدل به "امت عربی" سازند. در نتیجه برای نظام خط قرمزها، انتقاد کردن از سران رژیم، مکتبی ها، شیعه و اعراب صدر اسلام که یکی از دیگری خون آشام تر و وحشی می باشند، ولی برای به سخره و خاک و خاشاک کشاندن فرهنگ، هویت، تاریخ و تمدن ایران، اندیشه و کردار نیست آزاد و نه تنها خط قرمز وجود ندارد، بلکه مورد تشویق و ترغیب و تمجید نیز قرار می گیرند. ولی درد آور اینست که چرا ایرانی، با بیش از ده هزار تاریخ تمدن، امروز چنین خوار و زبون شده است، که به این بیگانه تباران پروانه می دهد تا با چنین بی پروایی گستاخی کنند؟! براستی چه بر فرزندان کورش و داریوش آمده است، که امروز مستی بیسر و پای پاپتی شنزارنشین، افتخارات، هویت، فرهنگ و تاریخ کشورشان را به تمسخر می گیرند، و نه تنها مات و مبهوت به تماشا نشسته و دمی بر نمی آورند، بلکه از اینگونه حرکت های ایرانستیزانه استقبال و دفاع هم می کنند؟

"جیک جیک مستونت بود، فکر زمستونت نبود!"

مساله ای که همانند خورشید پرتوافکن روشن است روز رستاخیز ایرانی نزدیک است و نظام استبداد مذهبی که همانند دیگر نظام های استبدادی جهان پایدار نبوده اند، نیز سرتگون خواهد شد، که بگفته قدیمی ها: "دیر و زود دارد، ولی سوخت و سوز ندارد!"

بنابرين اين عده ايرانستيز عضو حزب باد بوده و بيدرنك كه بوي سرنگوني رژيمشان به بيني هايشان رسد، تغيير رنگ خواهند داد، ولي بايستي در خاطر داشته باشند كه امروز "جيك جيك كان، مست تابستان هستند و زمستان در راه را نمي بينند"، در آينده اي نه چندان دور، بايستي پاسخگوي توهين ها و يورش هاي خود به فرهنگ، هويت و تاريخ ما ايرانيان باشند.

پاينده و جاودان باد خاك مقدس ايران، فرهنگ، تمدن، تاريخ و هويت ايراني.

شاپور سورنپهلو

روز باد از ماه تير سال ۳۷۵۵ بهديني

۱۰ ژوئن ۲۰۱۷ ترسايي

×برخي عربزده (متعصب مذهبي) بهمراه غرلزده و جهانوطني هاي "خودروشنگرپندار"، بر اين باورند كه هيچ چيز مقدس نيست و شاد بودن مهم است و اكنون برنامه اين سيده را "طنز" خوانده بر بالاي منبر رفته و ايرانيان را به "جنبه داشتن" دعوت مي كنند! نخست، اين عده در خانواده هاي پرورش يافته اند كه بسيار مذهبي و نيز اهل فرهنگ و ادب و علم و دانش نبوده و عاري از درك چنين مسائلي مي باشند. - دوم، زماني مردم را به جنبه داشتن دعوت مي كنند، كه خودشان، بردباري و تحمل شنيدن باورهاي مخالف، يا كوچكترين انتقادي از مذهب، باورها و حتي سياستمداران مورد

علاقه اشان را ندارند، ولی چون وطن‌دوست نیستید و کشور و فرهنگ و هویت ملی برایشان مهم نیست، به عمق توهین پی نبرده و بقیه را هم دعوت به بی تفاوتی و هم‌رتنگ خود ساختن می‌کنند. سوم، این عده ناآگاهند که "طنز" با "هجو" دو معنی جداگانه دارند. طنز با بیانی ظریف، تلاش می‌کند تا مشکلات و کاستیها در جامعه را با زبانی شیرین اصلاح کند. ولی "هجو" نقطه مقابل آن قرار داشته و هدف آن مسخره کردن، ریشخند یا تخریب و نابودساختن فرهنگ، هویت یا شخصیت کسی نگاشته یا گفته میشود! چهارم، آندسته جهان وطنی‌ها که برای ابراز وجود و اظهار فضل کردن طوطی وار شعار "هیچ چیزی مقدس نیست" را می‌دهند، نمی‌دانند که معنی آن، یعنی "همه چیز قابل دستمایه قراردادن است، بدون تبعیض قائل شدن". این عده بی هویت که مردم را به جنبه داشتن دعوت می‌کنند، از خود نمی‌پرسند که چرا کسی توان آن را ندارد تا سران رژیم اسلامی، معتقدات سیاسی و مکتبی آنان، سوریه، فلسطین و یا امامان شیعه و احادیثشان و صحرای کربلا و شنزارهای نجد و حجاز را به سخره و نقد کشد؟ چرا تنها همه یورش این عده معطوف فرهنگ و هویت ایرانی است؟ اگر همه افراد این گروه توان اندیشیدن را داشتند، متوجه می‌شدند که در اینجا مساله شوخی و خنده و طنز مطرح نیست، بلکه این در راستای سیاست رژیم اسلامی در نابود ساختن فرهنگ و هویت ملی است تا "ملت ایران" را مبدل به "امت عربی" سازند.

□